

زندگی من

بیل کلینتون

جلد اول

مهدی غبرایی

نسرین طباطبایی

محمد رضا پورجعفری

میر حسن رئیس زاده



نشر آبی

۱۳۸۴

کلینتون، بیل، ۱۹۴۶-م.
زندگی من / بیل کلینتون؛ [مترجم] مهدی غبرایی... [ر]
دبیران] - تهران: نشر آبی، ۱۳۸۳.
۵۹۸ ص.

ISBN 964-5709-64-4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی:
My Life.
۱. کلینتون، بیل، ۱۹۴۶-م. Clinton, Bill. ۲. کلینتون،
بیل، ۱۹۴۶-م. Clinton, Bill. -- خانواده. ۳. روسای جمهوری،
ایالات متحده -- سرگذشتنامه. ۴. ایالات متحده -- سیاست و
حکومت، ۱۹۹۳-۲۰۰۱ م. الف. غبرایی، مهدی، -۱۳۲۴ مترجم.
ب. عنوان

۹۷۳/۹۲۹۰۹۲

B۸۸۶/ا۳

۱۳۸۳

۸۳۰۲۲۱۶۷

کتابخانه ملی ایران



نشر آبی

زندگی من
بیل کلینتون
جلد اول

مهدی غبرایی - نسرین طباطبایی
محمد رضا پورجعفری - میرحسن رئیسزاده

نشر آبی

تهران، خیابان کریمخان زند، شماره ۱۰۹، تلفن ۸۸۴۳۵۲۵

● حروف چینی و صفحه آرایی: مریم شاهسون شهبازی

● چاپ اول ۱۳۸۴ ● تیراژ ۳۳۰۰ ● چاپ: حیدری

ISBN 964-5709-64-4

شابک ۹۶۴-۵۷۰۹-۶۴-۴

فهرست مطالب

۵	یادداشت ناشر
۱	پیش درآمد
۴	فصل نخست
۷	فصل دوم
۱۹	فصل سوم
۲۵	فصل چهارم
۴۱	فصل پنجم
۵۷	فصل ششم
۶۵	فصل هفتم
۷۷	فصل هشتم
۸۴	فصل نهم
۹۹	فصل دهم
۱۱۱	فصل یازدهم
۱۲۹	فصل دوازدهم
۱۴۵	فصل سیزدهم
۱۶۷	فصل چهاردهم
۱۸۴	فصل پانزدهم
۱۹۵	فصل شانزدهم
۲۲۲	فصل هفدهم
۲۶۱	فصل هیجدهم
۲۹۷	فصل نوزدهم
۳۱۵	فصل بیستم

۳۳۵	فصل بیست و یکم
۳۶۹	فصل بیست و دوم
۳۹۱	فصل بیست و سوم
۴۲۵	فصل بیست و چهارم
۴۵۵	فصل بیست و پنجم
۴۷۸	فصل بیست و ششم
۵۰۹	فصل بیست و هفتم
۵۳۷	فصل بیست و هشتم
۵۶۹	تصاویر

یادداشت ناشر

«خودزندگی‌نامه» مردان سیاست می‌تواند یکی از ابزارهای درک و شناخت پیچ و خم‌های سیاست و شیوه‌های مبارزه و قدرت در جوامعی باشد که این مردان (زنان) از آنجا برخاسته‌اند. اما دسترسی به این ابزار کار آسانی نیست چون بیشتر رجال سیاسی به دلایل متعدد خوش ندارند دربارهٔ خودشان بنویسند یا اگر هم می‌نویسند، کارشان بیشتر به شیرینی بال و دم می‌ماند، مشتی تعریف و تمجید از خود و دوستانشان و مقداری ناسزا و توهین به مخالفان و دشمنانشان.

در مجموع، رئیس‌ان جمهوری ایالات متحده آمریکا، در زمرهٔ دولتمردانی بوده‌اند که دربارهٔ خودشان و کارهایشان چیزی ننوشته‌اند. آنان با توجه به دلایل شخصی و حزبی و گروهی نمی‌خواسته‌اند «اسرار ناگفته» را برملا کنند و یا اصولاً از عهدهٔ نوشتن دربارهٔ کارهایشان و از همه مهمتر دربارهٔ خودشان برنمی‌آمدند. هرچند بعضی از آنها همچون ریچارد نیکسون شرح حال نوشته‌اند اما از زندگی خصوصی‌شان کمتر گفته‌اند و دربارهٔ سیاست‌هایشان هم صرفاً به مطالبی اشاره کرده‌اند که همگان کم و بیش از کم و کیف آنها باخبر بوده‌اند.

در این میان بیل کلینتون چهل و دومین رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا تقریباً استثنایی بر این قاعده است چرا که او، هم صاحب قلم توانایی است، آنچنان که گویی با نویسنده‌ای چیره‌دست سروکارمان هست و هم از طرفی خیلی از مسائلی را که در «تاریکخانهٔ قدرت» می‌گذرد مقابل چشمانمان به نمایش می‌گذارد. از همین روست که کتاب او از چنان استقبالی برخوردار شد که تا مدتهای طولانی در صدر پرفروش‌ترین کتاب قرار داشت.

کلینتون در «زندگی من» در مورد زندگی خصوصی، سیاستهای داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا، در دورانی که می‌شود آن را دورهٔ «پسا جنگ سرد» و یا به

عبارتی دوران «قدر قدرتی» ایالات متحده آمریکا خواند، اطلاعات جالب توجهی به خواننده ارائه می دهد. او در جای جای کتاب مطالب ناگفته ای را درباره دوران کودکی و جوانی و مشکلاتی را که خانواده اش با آن دست به گریبان بوده اند و بالاخره ماجراهای عشقی خودش همراه با بند و بست هایی که معمول جوامع غربی است برای خواننده فاش می کند. کلیتون در عین حال در این کتاب روانش را هم می کاود. از باب نمونه، صداقت لهجه او درباره جنگ ویتنام خواننده را غافلگیر می کند. وی در مورد علت نرفتیش به جنگ ویتنام خیلی راحت حرف می زند، با این عبارت که می گوید: «هنوز هم واقعاً نمی دانم دلیل نرفتیم به جنگ ویتنام، آیا مخالفت وجدانی من با جنگ بود یا ترس و وحشت از کشته شدن در جبهه؟»

کلیتون درباره ماجرای عشقی معروف و پرهیاهویش با مونیکا لورینسکی تا حدی پرده را بالا می زند و مطالبی را فاش می کند که تاکنون گفته نشده بود، از جمله اینکه چون همسر و دخترش با او فخر کرده بودند چند ماه تمام شبها در سرسرای کاخ سفید روی کاناپه می خوابید. در مورد سیاست های داخلی ایالات متحده هم حرف های زیادی برای گفتن دارد. در اینجا با تشریح مبارزات انتخاباتی اش عملکرد دموکراسی آمریکایی و تفاوت دموکراسی آمریکایی با معنای اروپایی اش را نشان می دهد. از گفته های کلیتون بهتر درمی یابیم که دموکراسی آمریکایی برخلاف دموکراسی اروپایی بیشتر شخصیت - محور است تا حزب - محور. کلیتون در کتاب پرنجشمش به تفصیل به تشریح کارکرد دموکراسی آمریکایی پرداخته و از مبارزه های واقعی در بطن جامعه ایالات متحده که در عرصه های ایدئولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی جریان دارد خبر می دهد و با ذکر مواردی مشخص، همچون سقط جنین، تأمین اجتماعی، افزایش و یا کاهش هزینه بیمه بهداشت، بودجه نظامی و دفاع از حقوق همجنس گرایان این مسائل را تشریح و تبیین می کند. اهمیت این بخش از کتاب در این است که برای شناخت بهتر و بیشتر جامعه سیاسی ایالات متحده آمریکا خواننده را باری بسیار داده و نشان می دهد که در آنجا مبارزه بر سر قدرت و ثروت و فرصت بیشتر، در جامعه ای جاری است که «دیگ هفت جوش» نام گرفته است و مانند هر جای دیگر، مبارزه ای تصویری، وهمی و خیالی نیست، بلکه مبارزه ای است ملموس و مشخص و به یک معنا باور، عقاید و سیاستهای مختلف در

آنجا هم مثل هر جای دیگر بر شالوده‌های عینی و واقعی استوارند و منافع افشار و طبقات مختلف را باز می‌تابانند، به عبارت دیگر نمی‌توانیم و نباید «جنگ و دعوا» در آن دیار را «دوز و کلک» بدانیم که برای «فریب دادن ساده‌لوحان این سوی آب» برنامه‌ریزی شده است. درک این واقعیت ما را از شر خیلی از محاسبات نادرست و باورهای ساده‌لوحانه که با کمال تأسف حتی در جامعه علمی و رسانه‌ای هم رخنه کرده‌اند می‌رهاند و شاید هم کمک می‌کند تا خودمان را از چنگال این ساده‌لوحی صادقانه خلاص کنیم و واقعیت‌های هر جامعه، بخصوص ایالات متحده آمریکا را آن طور که هست و نه آن طور که ما تصور می‌کنیم، بفهمیم.

کلیتون در عین حال صریح و آشکار به جنبه‌های منفی دموکراسی آمریکایی هم اشارت‌هایی دارد. او از عوام فریبی برای پیشبرد منافع و مقاصد حرف می‌زند، آنجا که از قول یک مرد روستایی «از هجوم کمونیست‌ها به آمریکا و نفوذ در همه ارکان کشور» خبر می‌دهد، سخنی که آن روستایی از زبان یک دولتمرد «راست» شنیده بود - خود زندگی‌نامه کلیتون، دموکراسی آمریکایی را با همه خوبی‌ها و زشتی‌هایش مقابل خواننده قرار می‌دهد. البته او تأکید دارد که مزایای این دموکراسی بر معایب آن می‌چربد، هر چند که باید برای از بین بردن این نقایص با همه وجود کوشش کرد. او در تشریح سیاست خارجی دولتش هم کم و بیش با صراحت لهجه حرف می‌زند و اطلاعاتی را در اختیار قرار می‌دهد که برای خواننده تازگی دارد.

کلیتون که درست در دوران تثبیت جهان تک قطبی و یا به عبارتی جهان تک - چند قطبی یا دوران پسا جنگ سرد مستأجر کاخ سفید شد، در بخش بزرگی از کتابش از «قدر قدرتی» ایالات متحده در لافافه یاد می‌کند - او در واقع خودش را میراث خوار و ادامه دهنده «نظم نوین جهانی» می‌داند که جورج بوش [پدر] که سلفش، ریگان، برای تعریف اردوگاه شرق به سرمدمداری اتحاد جماهیر شوروی وضع کرد و پیشتر بعد از عقب رانده شدن صدام حسین از کویت با بوق و کرنا حلولش را اعلام کرده بود.

کلیتون در کتابش بر نقاط تاریک سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پرتوافکنی می‌کند. روایت او از وقایع خارجی به درک و دریافت ما از به اصطلاح «یکجانبه‌گرایی» دولت بوش [پسر] در سیاست خارجی مدد می‌رساند. او تلویحاً به نوعی یکجانبه‌گرایی در

سیاست خارجی اش اذعان می‌کند، و معترف است که در بالکان و مداخله ناتو در صربستان تصمیمات یکجانبه‌ای اتخاذ کرد و سپس کوشید تا متحدان اروپایی و ایالات متحده آمریکا را با این تصمیمات همراه کند - در خصوص صلح خاورمیانه و توافقنامه بدفرجام مادرید هم ایالات متحده آمریکا بود که بی‌اعتنا به متحدانش، میانجی دو طرف شد. شاید تفاوت میان یکجانبه‌گرایی دموکراتهای دوران کلinton و «نومحافظه‌کاران» بوش اپسرا بیشتر در شیوه اجرا و اعمال تصمیمات باشد تا در جوهره آن. گروه اول می‌کوشیدند متحدانشان را با سیاستهایی که بیشتر طرح‌ریزی شده بود همراه سازند و برای دسته دوم، برعکس همراه نشدن این و یا آن متحد اگر نگوییم که اصلاً اهمیت ندارد چندان هم حائز اهمیت نیست. کلinton در تشریح وقایع سیاست خارجی درباره ایران هم حرفهای جالبی می‌زند.

«خودزندگی‌نامه کلinton» شاید در اروپا حتی بیش از کشور متبوع نویسنده‌اش سرو صدا برپا کرد. کتاب در سال ۲۰۰۳ میلادی در آلمان عنوان پرفروش‌ترین را داشت و در سایر کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، بریتانیا و ایتالیا هم جزو چند کتاب مطرح و پرفروش سال بود.

پیش درآمد

جوان که بودم و تازه از مدرسه حقوق درآمده و می‌خواستم مشتاقانه زندگی خود را بنا کنم، به خیال خودم دوره کوتاهی کتاب‌های داستان و تاریخ را که از علایق درجه اولم بود کنار گذاشتم و سراغ یکی از کتاب‌هایی رفتم که به اصطلاح راه زندگی را نشان می‌داد. این کتاب نامش چگونه بر وقت و زندگیتان مسلط شوید^۱ نوشته آلن لاکین^۲ بود. نکته اصلی این بود که می‌گفت لازم است هدف‌های کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت زندگی را مشخص و طبق اهمیتشان به گروه‌های A، B و C تقسیم کنید و بعد زیر هر یک از این گروه‌ها راه‌های خاص نیل به هدف‌ها را بنویسید. هنوز آن کتاب جلد نازک را که حالا دیگر سی سال از عمرش می‌گذرد دارم و مطمئنم سیاهه قدیمی را جایی در بین اوراقم گذاشته‌ام، هرچند نمی‌توانم پیدایش کنم. با این حال هنوز گروه A یادم مانده. می‌خواستم مرد خوبی باشم، صاحب زن و بچه‌های خوبی شوم، دوستان خوبی داشته باشم، زندگی سیاسی موفق در پیش بگیرم و کتاب بزرگی بنویسم.

البته خدا می‌داند که مرد خوبی هستم، یا نه. می‌دانم آن قدرها هم خوب نیستم که نیرومندترین حامیانم معتقدند یا امیدوارم باشم و آن قدرها هم بد نیستم که افراطی‌ترین خرده‌گیرانم می‌گویند: زندگی خانوادگی‌ام با هیلاری و چلسی موجب سرافرازی بسیارم شده. مثل همه خانواده‌ها زندگی ما هم کامل نیست، اما عالی بوده. نواقص آن، چنانکه همه دنیا می‌دانند، عمدتاً از آن من است و آینده نویدبخش آن بر عشقشان استوار است. تاکنون ندیده‌ام کسی دوستانی بهتر و بیشتر از این داشته باشد. در واقع از این موضوع می‌توان پرونده قطوری ساخت که من برشانه‌های دوستان شخصی‌ام، بزرگان افسانه‌ی امروز، به ریاست جمهوری رسیده‌ام. زندگی سیاسی برایم شادی بخش بود. از مبارزه و ریاست خوشم می‌آمد. پیوسته کوشیده‌ام همه چیز را در مسیر درست نگاه دارم، به کسان بیشتری مجال زندگی طبق آرزوهایشان بدهم، روحیه مردم را بالا ببرم و آنها را گردهم آورم. به این ترتیب موفق شدم.

و اما برسیم به کتاب بزرگ، کسی چه می‌داند؟ به هر حال این داستان خوبی است.

1. How to Get Control of Your Time and Your Life

2. Alan Lakein